



۲۰۱۹/۰۳/۰۸



زیبا نوری اعتمادی

بمناسبت روز جهانی زن

اهداء به فخریه ظاهر

دوست خوب و عزیزم، همسر خجسته صفت زنده یاد احمد ظاهر

نالہ به دل شد گرہ، راه نیستان کجاست؟

خانه قفس شد بمن، طرف بیابان کجاست؟

«خلیلی افغان»



سرود

استاد خلیل الله "خلیلی افغان"

قافله سالار شعر و ادب دری و صاحب عرفان افغانستان و منطقه

در قرن بیستم

که تا حال نظیرش در منطقه نروئیده است

آهنگ این گل مهره های شعر استاد استادان «خلیلی افغان» را برای بار اول، زنده یاد احمد ظاهر «ظاهر، بلبل افغانستان» کمپوز نمود و همچنین برای نخستین بار خودش آنرا با صدای آسمانی و سحر آفرینش سرود و به گوش هموطنانش رساند.

این آهنگ زیبا و دلپذیر به زودی روستاها و شهرها و کوه ها و دره های افغانستان را درنوردید و به زودی به خارج مرز های افغانستان شتافت و آسمان هند و پاکستان، تاجکستان و ایران و سرزمین های دیگر را هم ستاره باران کرد. با گرفتن دکمه کنترل زیر انگشت (اولین دکمه طرف چپ پایان) و کلیک بر لینک ذیل آن را آهنگ «ناله به دل شد گره راه نیستان کجاست؟ را با هم می شنویم:

<https://www.youtube.com/watch?v=ZWHZFEh-uak>

این گلمهره های شعر بعداً از طرف هنرمند محبوب دیگر افغان مرحوم "ظاهر هویدا" نیز به شیوه خودش کمپوز شد و به آواز گیرای او نیز به سمع هموطنان رسید.

ولی باید صادقانه اظهار کنم که کمپوز زنده یاد احمد ظاهر، الماس شرق، عالم گیر شد و عده زیادی از هنرمندان موسیقی و آواز، آنرا سرودند و مردمان کشور شان را محظوظ ساختند. ذکر نام همه هنرمندان محبوبی که این آهنگ را به شیوه احمد ظاهر خوانده اند از توان من بعید است. ولی شنیدن این آهنگ جاویدان را به آواز ملکوتی نینواز، شهید (فضل احمد زکریا) که خودم بار ها به گوش خود در خانه خودش یا دوستان شنیده ام در ذهنم حک شده است و می دانم که آن شهید هم آنرا خوانده است و زیبا خوانده است. آخرین باری که این آهنگ دلنشین را به آواز نینوار شهید شنیدیم و عاشقانه حظ بردم دو سه ماه قبل از کودتای ننگین و خانه برانداز «گاو^۱» و قتل عام سردار محمد داوود خان رئیس جمهور افغانستان و هجده تن خانواده اش و به صد ها و صد ها تن عسکر جوان گارد جمهوری بود. این دعوت با شکوه از طرف ظاهر عمر و همسرش لیلا جان که در کارته چهار اقامت داشتند به افتخار محترمه میرمن صالحه امین اعتمادی همسر سردار محمد امین اعتمادی سفیر افغانستان در وارسا و دختر سردار غلام فاروق سراج رئیس المپیک افغانستان برگزار شده بود که در آن نینواز عزیز، پوهاند داکتر محمد نادر عمر رئیس پوهنخی طب پوهنتون کابل، انجنیر تواب و اصفی وزیر معادن و صنایع، میرمن کبیرا عمر رئیس کودکستان ها، پوهاند داکتر عبدالله وزیر صحت عامه و همسرش خانم خدیجه عمر رئیس تدریسات ثانوی وزارت معارف و سید وحید عبدالله معاون وزارت خارجه حضور داشتند که به استثنای (سید وحید عبدالله^۲)، فضل احمد نینواز^۳ که شهید شده اند و داکتر عبدالله و همسرش که وفات شده اند) دیگران الحمدلله همه حیات دارند. امیدوارم ظاهر جان عمر این نوشته را بخواند و بداند که برای همیشه با همان قدر و منزلت در دل و یاد من هستند.

در تف این بادیه، سوخت سرا پا تنم

مزرع آتش گرفت، نم نم باران کجاست؟

- ۱- «ثور» در زبان عربی معنی «گاو» را دارد. یعنی کودتای ثور را میتوان در زبان عربی کودتای گاو نامید.
- ۲- سید وحید عبدالله معاون وزارت خارجه فردای روز کودتای گاو با چند تن دیگر از وزراء و جنرالان و اشخاص مهم دولت از طرف قاتلان و آدم کشان خلق و پرچم اعدام شد.
- ۳- فضل احمد زکریا نینواز در روز قیام بالا حصار کابل در اولین سال کودتای ننگین و خانه برانداز چهار کلاه (تره کی - امین - کارمل - و نجیب، با شوهر خواهرش حبیب زکریا در حالیکه هر دو به طرف مکتب ملالی روان بودند که اطفال خود را خانه بیاورند، دستگیر و راساً به وزارت داخله به دفتر استخبارات اگسا داخلی که در رأس آن شخص مفلوکی به نام "عزیز اکبری" قرار داشت برده شدند. فضل احمد نینواز چون یک انسان ترد گو و راست بود با "عزیز اکبری" با بر افروختگی حرف زده و از طرف اکبری تهدید به مرگ شده است، چون دوام داده با فیر تفنگچه به دهن او از این جهان رفته است و شوهر خواهرش به امر عزیز اکبری در همان روز کشته شده. روح هر دوی شان شاد و روان شان آزاد باد و دستان شان به گردن قاتل شان که قاتل هزاران دیگر نیز هست.

ناله به دل شد گره، راه نیستان کجاست؟
خانه قفس شد به من، طرف بیابان کجاست؟
اشک به خونم کشید، آه به بادم سپرد
عقل به بندم فگند، رخنه زندان کجاست؟
گفت پناهت دهد، در ره آن خاک شو
آنکه شدم در رهش خاک، بگو آن کجاست؟
روز به محنت گذاشت، شام به غم شد سحر
ساقی گل چهره کو، نعره مستان کجاست؟

در تف این بادیه، سوخت سرا پا تنم
مزرعم آتش گرفت، نم نم باران کجاست؟
موج نلرزد بر آب، غنچه نخندد به باغ
برگ نجنبد به شاخ، باد بهاران کجاست؟

خوب و بد زندگی، بر سر هم ریختند
تا کند از هم جدا، بازوی دهقان کجاست؟
برق نگه خیره شد، شوق ز دل رخت بست
خانه پر از دود شد مشعل رخشان کجاست؟

ناله شدم، غم شدم، من همه ماتم شدم
آن دل خرم چه شد، آن لب خندان کجاست؟
ابر سیه شد پدید، باز به چرخ سخن
اختر برج ادب، مرد سخن دان کجاست؟

هم نظر "بوعلی"، هم قدم "بوالعلا"
هم نفس "رودکی"، هم دم "سلمان" کجاست؟

مرد نمیرد به مرگ، مرگ از او نام جوست
نام چو جاوید شد، مردنش آسان کجاست

پایان

زیبا نوری اعتمادی

اهداء به فخریه ظاهر - بمناسبت روز جهانی زن
zebanouri_etemadi_ehda_ba_fakhria_zaher.pdf